

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی شاعران دفاع مقدس

دکتر خلیل بیگ زاده^۱

فرنگیس شاهرخی^۲

چکیده

نشانه‌شناسی ساختارگرا چگونگی شکل‌گیری معنا و بازنمود واقعیت را بررسی می‌کند و معتقد است که دال و مدلول به شدت با یکدیگر پیوند دارند و ارتباطی بی‌آیند میان آن‌ها برقرار است؛ به گونه‌ای که هر دالی یادآور مدلولی خاص در ذهن است. این نوع نشانه‌شناسی تقابل‌های دوگانه را عناصری بنیادین در بررسی ساختاری و معنایی آثار ادبی و از اصلی‌ترین روش‌های دستیابی به ساختار متن می‌داند. این پژوهش با هدف تحلیل و تبیین گفتمان مؤثر بر ساختار زبان و اندیشه در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس بر اساس انواع زوج‌های متقابل در سطح واژگانی و معنایی با رویکردی توصیفی-تحلیلی انجام شده و زوج‌های متضاد و تقابل معنایی واژگان را معطوف به مفاهیم و جلوه‌های ازلی-ابدی پایداری بررسی کرده‌است؛ چنان که جهان دوگانه‌هایی را که در ساختار این اشعار پنهان است، آشکار گردانیده و انواع تقابل‌های واژگانی مدرج، مکمل، دوسویه، ضمنی و صوری، جهتی، خطی و متقاطع و هم‌سنگ و تقابل معنایی مفاهیم و موضوعاتی نظیر: لطف/قهر، فقر/غنا، پاک/پلیدی، عشق/عقل، ظلمت/نور، کفر/دین، بیماری/شفابخشی، ظلم‌ستیزی/ستمگری، شجاعت/زبونی، غربت/آشنایی و نیز تقابل دو رنگ سبز و سرخ را در شعر رضوی شاعران دفاع مقدس تحلیل کرده‌است تا شگردهای بهره‌گیری شاعران را از جفت‌های متقابل برای تبیین شخصیت متعالی امام رضا (ع) در یکسان‌نگری انسانی نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، نشانه‌شناسی، تقابل واژگانی، شعر رضوی

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول) kbaygzade@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۱-۰۶-۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۰۲-۱۱-۱۳۹۵

۱- مقدمه

یکی از شیوه‌های نقد متون، بررسی آن‌ها بر اساس تقابل‌های دوگانه (opposition binary) است؛ چنان که تقابل‌ها در زبان‌شناسی اصل معرفت تلقی می‌شوند و انسان برای معرفت هر چیزی به اصل متضاد آن روی می‌آورد؛ بنابراین برای شناخت ساختار اندیشه هر متنی باید به دنبال نقاط متقابل در بطن آن اثر بود؛ زیرا «هیچ اصطلاحی جدا از جفت متقابل آن معنی ندارد» (مکاریک، ۱۳۸۲: ۱۷۵). تقابل‌های دوگانه از دیدگاه ساختارگرایان، سازنده اساس تفکر انسان است و این نظریه، خوانشی راهبردی در زبان‌شناسی ساخت‌گرای سوسور (Saussure) است. از دیدگاه سوسور، بنیادی‌ترین واحدهایی که نظام زبان را شکل می‌دهند، مفاهیم متقابل هستند؛ مثلاً زشت در تقابل زیبا و مذکر در تقابل مؤنث معنا می‌یابد. بشر برای تعریف هر پدیده به اصل تضاد روی می‌آورد و با آن مانوس است که بر این اساس، ساختارگرایان منتقدان را تشویق می‌کنند تا در بطن آثار بیشتر در جست‌وجوی تضادها باشند (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۳۵).

نظریه‌پردازانی چون سوسور و گریماس (Greimas) دیدگاه‌های تازه‌ای در خصوص تقابل‌ها داشته‌اند؛ چنان که در دیدگاه ساخت‌گرایی سوسور زبان‌شناسی نظامی تکوین‌یافته از ارزش‌های متقابل است؛ این ارزش‌ها به واسطه تقابل یا تفاوتی که دارند، از یکدیگر تمیز داده می‌شوند؛ بر این اساس، تقابل اصل معرفت تلقی می‌شود و این تقابل‌های دوگانه که در نشانه‌شناسی نقش مهمی دارند، ساده‌ترین و مهم‌ترین رابطه‌ها در بررسی ساختارها هستند و جولان تحلیلی ساخت‌گرایان غالباً متأثر از همین تقابل‌های دوگانه است (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵).

از نظر سوسور، نشانه ارزش خود را از تقابل با دیگر نشانه‌ها در یک نظام کلی به دست می‌آورد، سوسور زبان را نظامی از تمایزها و تقابل‌های نشان‌مند می‌داند و می‌گوید: «مفاهیم به گونه‌ای سلبی و از طریق تقابل با دیگر اجزاء همان نظام ارزش می‌یابند. آنچه مشخص‌کننده هر نشانه است به بیان دقیق بودن آن چیزی است که نشانه‌های دیگر نیستند.» (سجودی، ۱۳۸۲: ۲۷) البته پیشینه این اندیشه به ارسطو و افلاطون باز می‌گردد؛ جوهر / عرض، صورت / هیولا، لفظ / معنا

و... توانست نوعی اندیشه دوگانه را در معرفت انسانی پدید آورد که بر ادبیات نیز تأثیر بسیاری گذاشت و سوسور بر مبنای همین تأثیر، نظام زبانی خود را پی‌ریزی کرد (امامی، ۱۳۸۲: ۱).

آلژیرداس جولوس گریماس (۱۹۱۸-۱۹۹۲ م.) از نظر مبانی فکری به نشانه‌شناسی متمایل است و از سوی دیگر به ساختارگرایی فرانسه وابستگی نظری دارد و تحت تأثیر نشانه‌شناسی به نقش تقابل‌های دوگانه در داستان و روایت توجه زیادی دارد. «گریماس چند رابطه اساسی را میان آن چه الگوی کنش می‌خواند بازمی‌شناسد: فاعل در برابر مفعول، فرستنده در برابر دریافت‌کننده و گزینه‌های یاری‌دهنده یا مخالف» (هارلند، ۱۳۸۵: ۳۶۳).

بنابراین از نظر گریماس دلالت با تقابل دوتایی شروع می‌شود، «در هر پی‌رفت روایت، وجود حداقل دو مشارک ضرورت دارد و کنش‌های پایه عبارتند از فصل و وصل: جدایی و وصال، مبارزه و آشتی» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۱۴۷) و «همین رابطه تقابل یا تضاد است که کنش بنیادی گسست و پیوست، هجر و وصل، قهر و آشتی و غیره را خلق می‌کند» (سجودی، ۱۳۸۴: ۶۶).

هر متن، شناسنده دسته‌ای از تقابل‌هاست که در راستای انسجام متن و ساختار آن عمل می‌کند، برخی از این تقابل‌ها عام‌اند، اما برخی دیگر وابسته به فرهنگ‌اند؛ تقابل‌هایی چون خوبی و بدی، خردورزی و نادانی، حقیقت و دروغ، مردانگی و زنانگی عام‌اند؛ اما بعضی از تقابل‌ها از نوع تقابلی ریشه‌دار در فرهنگ تلقی می‌شوند و هر یک از این تقابل‌ها که به بیان پس‌ساخت‌گرایان در مرکز است و برتر به حساب می‌آید، از نوع ممتاز و برخی دیگر، گاه در حاشیه و گاه در مرکز قرار می‌گیرند (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۷۲). یکی از شگردهای آگاهانه شاعران شعر آیینی معطوف به ترویج جلوه‌های پایداری با تکیه بر فرهنگ مقابله معصومین (ع) با مخالفان و دشمنان برای تغییر در رویکرد آن‌هاست؛ بنابراین، شاعران آیینی برای آفرینش موضوعات مورد نظر، شگردهایی از عاطفه و خیال را در یک ساختار زبانی بر اساس زوج‌های

متقابل در سروده‌های خود آفریده‌اند که در سطح واژگانی و ادبی زبان، نمود یافته و مضامین و موضوعات معطوف به پایداری را با رویکردی پنهان در آثارشان پدید آورده‌اند.

۱-۱- بیان مسئله

نشانه‌شناسی ساختارگرا عناصر متقابل را از اساسی‌ترین اصول بررسی ساختاری و معنایی آثار ادبی می‌داند که بر این اساس، تقابل‌های دوگانه واژگانی یکی از بارزترین شناسه‌های ساختارگرایی در شعر است که نه تنها ساختار زبانی آن را تحت شعاع قرار داده؛ بلکه بر سطح فکری و معنایی آن هم اثرگذار بوده‌است. چون شاعران رضوی اغلب در ساختار واژگانی از تقابل‌های دوگانه بهره برده‌اند، تحلیل گفتمانی سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس با رویکرد تقابل‌های دوگانه به فهم دقیق جلوه‌های پایداری در آن کمک خواهد کرد. البته تقابل‌های دوگانه واژگانی بیشتر در ساختار عرضی سروده‌های رضوی هستند و به همین دلیل تقابل‌ها خود را در ساخت یک بیت و حتی در ساخت طولی یک قالب شعری آشکار می‌کنند. این جستار مفاهیم زوج را در سطح واژگانی و معنایی در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس که معطوف به جلوه‌های پایداری است، با رویکردی توصیفی-تحلیلی بر اساس نظریه تقابل‌های دوگانه تحلیل و تبیین کرده‌است؛ چنانکه نظر به شیوه کاربست تقابل‌های دوگانه در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس، تأمل دقیقی در این سروده‌ها کرده و شگردهای بهره‌گیری شاعران را از این رویکرد برای پروراندن و تبیین مفاهیم و موضوعات پایداری در فرهنگ رضوی و انتقال این فرهنگ به مخاطب (ایثارگران) برای تبیین چگونگی مقابله با دشمن بررسی و تحلیل شده‌است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری تقابل‌های دوگانه را در شعر فارسی بررسی کرده‌اند که اشاره به تمامی آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد و ضرورتی ندارد. بر این اساس، پژوهش‌هایی که ارتباط بیشتری با موضوع دارند، در پیشینه آورده شد که عبارتند از: مقالات «تحلیل تقابل‌ها و تضادهای واژگانی

در شعر سنایی» از چهری و دیگران (۱۳۹۲) که واژگان متضاد اشعار سنایی را بررسی کرده‌است و نیز پژوهش‌های دیگری که در آثار شاعران کلاسیک ادب فارسی بر اساس نظریهٔ تقابل انجام شده‌اند. همچنین پژوهش‌هایی در شعر معاصر بر اساس نظریهٔ تقابل‌های دوگانه انجام شده‌است از جمله مقالهٔ «تقابل شهر و روستا در شعر معاصر عرب و فارسی به‌ویژه در آثار بدر شاکرالسباب (شاعر عرب) و قیصر امین‌پور (شاعر پارسی‌گوی)» از قربانی و عباسی (۱۳۸۶) که رویارویی شهر و روستا را در آثار این دو شاعر معاصر که هر دو از روستا به شهر کوچ کرده و از لحاظ موقعیت جغرافیایی به هم نزدیک‌اند، بررسی و تحلیل کرده‌است؛ «بررسی جلوه‌های هنری و ارزشی تقابل‌های دوگانه در شعر سلمان هراتی» از کارگر (۱۳۹۲) که تقابل را با روش توصیفی-تحلیلی از دو منظر جلوه‌های هنری و ارزشی در اشعار این شاعر بررسی کرده و نشان داده‌است که از دیدگاه نخست مفاهیم متقابل در شعر هراتی در سطح مفهوم اولیه نمانده و با نفوذ در نماد و تصویر و زیرساخت روایت، ارتقای هنری یافته‌است، اما پژوهشی که موضوع تقابل‌های دوگانه را در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس بررسی کرده باشد، یافت نشد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

تقابل‌های دوگانه یکی از عناصر ساخت‌آفرین است که در سطح واژگانی سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس تأثیر نهاده‌است؛ چنانکه شعر رضوی در سطوح مختلف زبانی و ادبی تحت تأثیر این شیوه برای پردازش مفاهیم و بیان مقاصد شاعران است و این مقاله، ساختار دوگانه‌های متقابل و شیوه‌های کاربست آن‌ها را در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس بر اساس نظریهٔ تقابل‌های دوگانهٔ واژگانی در محور افقی کلام بررسی کرده‌است تا از این رهگذر به شناخت نظرگاه‌های سراینده‌گان شعر جنگ تحمیلی و دفاع مقدس با تکیه بر موضوعات و جلوه‌های پایداری دست یابد.

۲- بحث

این پژوهش جلوه‌های تقابل ساختاری (واژگانی) و محتوایی (معنایی) را در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدّس که مبتنی بر برخی جلوه‌های پایداری هستند، با محوریت سیمای امام رضا (ع) بررسی کرده و آنچه را از انواع تقابل واژگانی و معنایی که به نوعی میبین جلوه‌های پایداری هستند، کاویده است تا نشان دهد، شاعران دفاع مقدّس که شعرشان گستره مهمّ و ارزشمندی برای ترویج روحیه مقاومت و پایداری است، چه اندازه با سیمای دادخواهانه و ستم‌ستیزانه حضرت (ع) آشنایی داشته و وجوه گوناگون سیمای ایشان به‌ویژه وجوه همساز با جلوه‌های پایداری را با تکیه بر نظریه تقابل در شعر خود گنجانیده و چه اندازه از سیمای مبارزاتی امام رضا (ع) بهره گرفته‌اند.

۲-۱- تقابل واژگانی

معناشناسی از حوزه‌های اصلی زبان‌شناسی است که به مطالعه معنایی و روابط واژگان از نظر معنایی می‌پردازد و انواع گوناگونی دارد که معناشناسی واژگانی یکی از بخش‌های مهم آن است، تقابل معنایی واژگان از جمله روابط جانشینی و همنشینی در معناشناسی واژگانی است. بر اساس تعریفی که ساختارگرایان از زبان ارائه داده‌اند و نگاه نشانه‌شناسی به مقوله زبان، واژه ماده خام زبان تصور می‌شود و ترکیب واژه‌هاست که جملات را می‌سازد. رابطه بین مفاهیم و واژه‌ها در دو محور جانشینی و همنشینی نشان می‌دهد، بسیاری از مفاهیمی که از واژه‌ها استخراج می‌شود، بر اساس عنصر تقابل شکل می‌گیرد به عبارتی ذهن انسان بسیاری از مفاهیم را از زاویه تقابل درمی‌یابد. چون انواع تقابل واژگانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، برای جلوگیری از اطاله کلام صرفاً تقابل واژگانی و انواع آن بررسی و تحلیل گردیده‌است. ترکیب‌ها و واژگان فراوانی در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدّس وجود دارد که کاربست آن‌ها بر اساس تقابل، تضاد و یا مجاورت و همنشینی بوده‌است. تقابل معنایی بر حسب نوع رابطه مفهوم میان واژگان متضاد به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که این پژوهش آن‌ها را با تکیه بر جلوه‌های پایداری در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدّس کاویده‌است.

۲-۱-۱- تقابل مدرج

جفت‌های متضادی که در میان صفت‌ها قرار می‌گیرند و از نظر کیفیت قابل درجه‌بندی و متضمن مقایسه هستند، در این دسته جای می‌گیرند. صورت‌هایی چون سرد/ گرم و پیر/ جوان، بر اساس مقیاسی و تحت شرایط گوناگون و بسته به موضوع بحث قابل درجه‌بندی هستند (صفوی، ۱۳۶۹: ۱۰۵). در اشعار بررسی شده صفاتی در محور افقی بیت‌ها سازنده تصاویر متقابل هستند که وجود یکی در یک گستره نبود دیگری را ابلاغ می‌کند؛ نظیر جفت واژه‌های غربت/ آشنا، عیان/ نهان و مردمی/ نامردمی در بیت‌های زیر که قابل درجه‌بندی به شکل صفات برتر و عالی؛ مانند آشناتر، عیان‌تر، نهان‌ترین نامردم‌تر هستند:

بوی غربت می‌وزد از بارگاه اطهرش در هوایش می‌تپد هر جا دلی دردآشناست

(قدرتی، ۱۳۸۳: ۷۳)

الغرض از اوج هفتم چرخ تا تحت‌الثری آن چه می‌بینی عیان و آن چه می‌دانی نهان

جمله را دست تو سَلّ جمله را چشم امید هست بر شاه خراسان چه نهان و چه عیان

(شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۲۴)

روزگار مردمی‌ها سوخت چهره نامردمی افروخته

(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۷۶)

۲-۱-۲- تقابل مکمل

هر یک از واژه‌ها در این جفت‌ها بر اساس تعریف صفوی مکمل معنای دیگری و نفی یکی اثبات دیگری است. مثلاً در زوج‌های مذکر و مؤنث یا متأهل و مجرد، اگر شخصی متأهل باشد پس یقیناً مجرد نیست و یا مذکر نبودن اثبات مؤنث بودن است (صفوی، ۱۳۶۹: ۱۰۷). واژگانی نظیر آغاز/ پایان (قزوه، ۱۳۸۷: ۸۸)، لطف/ قهر (شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۴۷)، ظلمت/ نور، شاه/ گدا، کافر/ مؤمن، خوابیده/ بیدار و مردن/ بودن در بیت‌های زیر در این نوع

از تقابل جای می گیرند که تضادی آشکار میان آنها دیده می شود و حضور یکی نفی دیگری است، اما بارگاه امام هشتم (ع) هم آیی این اجتماع ضدین را بر مخاطب گشوده است:

قبله هفتم، امام ثامن و ضامن ملجأ شاه و گدا و کافر و مؤمن

(همان: ۵۲۱)

ای علی موسی الرضا، ای پاک مرد یثربی، در طوس خوابیده / من تو را بیدار می دانم

(همان: ۵۹)

ای سوره اعراف من ای قبله هشتم در ظلمت من پنجره ای باز کن از نور

(قزوه، ۱۳۹۱: ۴۵)

جان به لب شد از ریاکاری شرف خوب بودن مُرد و بودن شد هدف

(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۷۶)

۲-۱-۳- تقابل دوسویه یا وارونگی

گونه دیگر تقابل میان واژه هایی است که رابطه دوسویه با هم دارند. در واژه هایی نظیر خرید / فروش، زن / شوهر و کوچک تر / بزرگ تر، یکی از طرفین در سوییۀ وارونه طرف مقابل قرار می گیرد؛ مثلاً وقتی یکی از طرفین فروشنده است، پس حتماً طرف مقابل خریدار است و اگر یکی از دو طرف زن است طرف دیگر حتماً مرد است (صفوی، ۱۳۶۹: ۱۰۷). عقل و عشق در بیت زیر تقابل دوسویه دارند که معمولاً وجود یکی نفی دیگری است؛ یعنی هر جا گستره یکی از این دو عنصر باشد، دیگری حضور ندارد:

چراغ عقل کزو عقل راست شور و نشاط فروغ عشق کزو عشق راست سور و سرور

(شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۵)

۲-۱-۴- تقابل جهتی

گروه دیگری از زوج های متضاد را می توان در قالب تقابل های جهتی مطرح ساخت که این نوع تقابل را در نمونه های: آمدن / رفتن، بردن / آوردن و ارسال داشتن / دریافت کردن می توان دید،

زیرا آمدن نسبت به رفتن مستلزم حرکت به سوی گوینده یا شنونده است (صفوی، ۱۳۶۹: ۱۰۸-۱۰۹). فرود / فراز و فرورفتن / برآمدن از نظایر کاربست این نوع از تقابل در سروده‌های رضوی معاصر است که علی‌رغم تقابلی که در معنی دارند، اما در فضای معنوی بارگاه هشتمین امام (ع) مفهومی از هم‌کناری و صلح به ذهن متبادر می‌شود:

که این فرود نمودی از فراز آمد
ملک به اذن دخولش ز نه رواق سپهر
(شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۱)
ز من تحیت بادا به جان روشن تو
فروروند و برآیند تا نجوم و شمس
(همان: ۲۹۰)

۲-۱-۵- تقابل‌های خطی و متقاطع

این نوع تقابل در واقع رشته‌ای از واژه‌هایی (نه یک جفت واژه) است که به یک دسته یا گروه واحد تعلق دارند و اثبات یکی نفی سایر واژه‌های گروه است. این واژه‌ها دو به دو در تقابل متقاطع با یکدیگرند؛ ولی هر یک از آنها در تقابل خطی با دیگر واژگان گروه است؛ چنانکه میان واژه‌های شمال / جنوب و شرق / غرب، دو نوع فوق قابل شناسایی است. این دو نوع از تقابل‌ها دارای وجه تمایز بسیار ظریفی نسبت به یکدیگر هستند که شمال در تقابل خطی با شرق و غرب است و در تقابل متقاطع با جنوب و هر جفت از واژه‌های شمال و جنوب و شرق و غرب در تقابل مکمل با یکدیگرند (صفوی، ۱۳۶۹: ۱۰۹ و ۱۱۰)؛ نظیر جفت واژگان سبز / سرخ (قدرتی، ۱۳۸۳: ۳۸)، یسار / یمین (شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۱۳)، امروز / فردا (قدرتی، ۱۳۸۳: ۵۹) و نیز جفت واژه‌های شیرین / شور در بیت زیر:

برگشته‌ام امشب به خود از راه نیشابور
شیرین دلکم یک دو دهان شور بخوان شور
(قزوه، ۱۳۷۸: ۱۰۰)

و نیز رنگ‌واژه‌های سبز و سرخ در برابر یکدیگر در بیت زیر:

عطر سبز چشمه‌های روشن کوثر رضا
عطر سرخ عشق در آینه باور رضا

(قدرتی، ۱۳۸۳: ۲۸)

رنگ‌واژه‌های سبز و سرخ حامل معانی ودلالات‌های متفاوتی هستند، چنان که این دو رنگ تأثیر متضادی بر روح و روان انسان می‌گذارند، گاه این رنگ‌ها برای بیان افکار رمزی و نمادین شاعر به کار می‌روند و جایگاه خاص این دو رنگ در ادب فارسی، شاعران رضوی را علاقمند به استفاده از آن‌ها در مقابل یکدیگر می‌کند.

۲-۱-۶- تقابل همسنگ (تقابل ردیفی و مدور)

نوعی از تقابل است که «گروه‌های متباین چند عضوی می‌توانند به دو صورت ردیفی و یا مدور تنظیم شده‌باشند. در تنظیم ردیفی در دو سوی یک گروه واژه‌های متباین دو عضو با نهایت تناقض معنایی قرار می‌گیرند و اعضای دیگر به ترتیب در میان این عضو واقع می‌شوند؛ اما در تنظیم مدور هر عضو در فاصله میان دو عضو دیگر قرار می‌گیرد» (صفوی، ۱۳۶۹: ۱۱۲)، چنان که جفت‌واژه‌های ستاره/ آفتاب (شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۰۰)، هفت/ هشت (همان: ۳۷) و نیز واژگان ماه/ خورشید، صبح/ شام و یسار/ یمین در بیت‌های زیر مبین این گونه تقابل است و تعالی و بلندمرتبگی را به ذهن متبادر می‌کنند که لازمه آن شکیبایی و پایداری در گستره‌های خوف و خطر برای نیل به کمال است:

مه برج رسالت که صیبت اوست چو مه پاک و چو خورشید مشتهر

(همان: ۱۱۸)

باشد از خیل ملایک چشم حسرت صبح و شام بر صف خدام این در از یسار و از یمین

(همان: ۶۱۳)

۲-۱-۷- تقابل ضمنی

«هر یک از واژه‌های متقابل در ارتباط با تصویری ذهنی قرار می‌گیرد و تناقض میان این دو واژه در ارتباط با آن تصویر ذهنی که مشخصه‌ای ضمنی است، موجب تقابل میان دو واژه مذکور می‌گردد. برای نمونه در جفت متقابل «فیل و فنجان» هر یک از دو واژه در ارتباط با مشخصه

ضمنی بزرگی قرار گرفته و (+ بزرگی فیل) و (- بزرگی فنجان) موجب تقابل ضمنی میان این جفت واژه می‌گردد» (صفوی، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

شاعران با ایجاد ارتباط جفت‌واژه‌هایی واجد ویژگی‌های تقابل ضمنی، با نظر به صفات بارز و شاخص هر یک، نظیر زوج‌های متقابل: درگاه سلیمان / ران ملخ (شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۵۹)، یاس / شبدر (گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۷۶)، فرش / عرش (شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۵۲)، خاکروب درگه / آیینۀ سکندر (همان: ۱۸۹) و نیز واژه‌های مور / سلیمان و پرنیان / سنگ در بیت‌های زیر سازنده تصاویر ذهنی زیبا و بکری هستند که برخی از آن‌ها در ادب کهن سابقه دارند و نمونه‌های آن در شعر رضوی شاعران دفاع مقدس نیز آمده‌است تا رویکردی از پایداری را در اذهان بیدار کند که نشانه عظمت و بزرگی امام رضا (ع) و مقام معنوی حضرت است که ایدئولوژی نهفته در این مقوله‌های مدح و رثا تداعی منزلت ایدئولوژی اسلامی- ایرانی در دفاع مقدس می‌کند:

رهش را تبه گشته خاکی سکندر درش را کمر بسته موری سلیمان

(همان: ۳۷۱)

ارغوان روی او کم‌رنگ شد پرنیانش هم‌نشین سنگ شد

(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۷۶)

۲-۱-۸- تقابل صوری

شاخه دیگری از تقابل‌های دوگانه تقابل صوری یا واژگانی است که میان جفت واژه‌های متقابل در صورت زبان و بر حسب تکواژهای نفی و اثبات تحقق می‌یابد (صفوی، ۱۳۸۴: ۳۶) نظیر دو فعل بیاورند/ نیاورند در شعر زیر که با آمدن تکواژ نفی بر سر فعل، تقابل صوری در شکل ظاهری واژه به وجود آمده‌است:

شاید مرا به شهر بیارند / بر روی دست‌ها- / اما / حتی تو را به شهر نیاوردند (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۸)

علاوه بر تقسیم‌بندی فوق، می‌توان گفت که کاربرد تقابل‌های دوگانه در اشعار بررسی شده به دو شکل است: **الف)** زوج‌های متقابل متعارف و از پیش موجود که شامل واژه‌هایی است که در زبان موجودند و پیش از این نیز کاربرد داشته‌اند، زوج‌هایی نظیر ظلمت / نور، تشنه / سیراب، عقل / عشق، سعد / نحس، مؤمن / کافر، کینه / مهر، حقیر / کبیر، آب / آتش و... پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند (همان، ۱۳۹۱: ۴۰۸)

ب) زوج‌های متقابل ابداعی که برای بیان مفاهیم و معانی مورد نظر شاعر آفریده می‌شوند، زوج‌هایی مانند: تشنه / باران (مردانی، ۱۳۸۸: ۲۲۷)، شب شبگیر / آفتاب (همان)، لیل / الضحی (شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۱۸)، خاکروب / آینه (همان: ۱۸۹)، نم باران / دم طوفان (همان: ۷۰)، سکه‌ای چند / گنج غنا (همان: ۳۵۹)، آفتاب عشق / باران نور در شب (مردانی، ۱۳۸۸: ۲۲۷) و سیراب / کویر (همان). این واژه‌ها و ترکیب‌ها از نظر ماهیتی در تضاد با یکدیگر نیستند، اما آوردن آن‌ها در همنشینی با افعال و واژگانی که شناسه‌های متضاد آن‌ها را برجسته می‌سازد، خواننده را به تقابل تصور شده می‌رساند:

روح عنبرسای تو تعبیر و الّیل آمده روح افزای تو تعبیر سرّ و الضّحی
(شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۱۸)

جسم بیماری در این دارالشّفای بیدلان جان بی‌تابی بدین دارالامان آورده‌ام
(خیریه، ۱۳۸۹: ۳۳۲)

شد جلوه‌گر ز مشرق جان آفتاب عشق باران نور، در شب یاران خجسته باد
(مردانی، ۱۳۸۸: ۲۲۷)

۲-۲- تقابل معنایی

برای درک معنای هر اثر و هر متن ادبی، علاوه بر بررسی واژه‌ها، بررسی حوزه معنایی آن نیز ضروری است. وجود تضادهای محتوایی و فکری در کنار تقابل‌های واژگانی درک بهتر

خواسته‌ها و اهداف شاعر و شیوه بیان وی را نیز ممکن می‌سازد. شاعران رضوی با استفاده گسترده از تقابلهای واژگانی و فکری افزون بر این که در پی ژرفابخشی به معنای شعر دفاع مقدّس و افزودن زیبایی ظاهری آن بوده‌اند، درک بهتر و عمیق‌تر مخاطب از معانی، نظام فکری و ساختار اندیشگی‌شان را نیز در نظر داشته‌اند که اشعار بررسی‌شده در بخش واژگانی، محورهای فکری زیر را در رویاروی هم آورده‌اند و این رویارویی مفاهیم گونه‌ای از جلوه‌های پایداری را در نهاد خود نهفته دارد.

۲-۲-۱- تقابل لطف و قهر

شاعران رضوی سرای ادبیات دفاع مقدّس برای معرفی رحمت و لطف امام رضا (ع) از تقابل دو واژه قهر و لطف استفاده کرده و بعد از ذکر صفت لطف امام (ع)، بلافاصله واژه قهر را یادآور می‌شوند و با جمع اضداد در کنار هم به این ویژگی اشاره دارند که جلوه تمام صفات الهی از جمله قهر و لطف در وجود حضرت (ع) نمایان است. بر این اساس، آموزه‌های رضوی پیامی ویژه برای رزمندگان ما دارند و پیوسته در سال‌های دفاع مقدّس، منشور دفاعی رزمندگان ایرانی در مقابله با دشمن بیگانه بود و بر اساس رأفت اسلامی و از جمله رأفت رضوی مقابله و دفاع می‌کردند:

لطف و قهرت را بود هنگام مهر و وقت فیض انفاس مسیحا و خواص نفع صور
کین (شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۷۴)

۲-۲-۲- تقابل پاکی و پلیدی

در نظام اخلاقی جهان همواره شاهد تقابل دو نیروی خیر و شر و پاکی و پلیدی هستیم که این دو مفهوم در محورهای همنشینی و جانشینی دایره تقابلی را تشکیل می‌دهند و در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدّس، خوبی و بدی با تعبیری؛ مانند اهریمن و دایره تقابلی خیر و نیکی با مفاهیمی استعاری؛ نظیر سلیمان به کار می‌رود تا سیمای روزگار امروز ما را با دوره‌های گذشته و از جمله دوره ولایتعهدی امام رضا (ع) مقایسه کند.

هیچ از شأن سلیمانیت نتوانست کاست خاتم ملک از کفت گر برد اهریمن به زور
(همان: ۳۷۴)

واژه اهریمن که مظهر و نماد شرّ و بدی است و در سویه مقابل خیر و نیکی قرار دارد، در شعر رضوی شاعران دفاع مقدس، اغلب در معنای استعاری، جایگزین نام دشمنان امام رضا (ع) و نیز دشمن بعثی و تجاوزگر شده است که در سال‌های آغازین جنگ بخشی از خاک میهن ما را اشغال کرده بودند.

۲-۲-۳- تقابل ظلم‌ستیزی و شجاعت با ستمگری و زبونی

آگاهی بخشی و ظلم‌ستیزی از جلوه‌های مهم پایداری است که آبشخور اصلی آن را در سیره ائمه اطهار (ع) می‌توان یافت. تجلی مبارزه با ظلم در شعر رضوی شاعران دفاع مقدس، مبین پیوند و گره خوردگی اندیشه‌های پایداری با چهره عدالت‌جویانه و ستم‌ستیز حضرت رضا (ع) است که این مفهوم با ستودن شجاعت و قدرت امام هشتم (ع) در برابر دشمنان در شعر رضوی شاعران دفاع مقدس نمایان است؛ چنان که این رویکرد در عملیات ثامن‌الائمه خود را نشان داد و رزمندگان ما حصر آبادان را شکستند:

رگ بر تن ضعیف عدو از نهیب تو پیچیده ز انفعال چو در جوف خامه نال
(همان: ۸۷)

۲-۲-۴- تقابل غربت و آشنایی

یکی از بارزترین صفات امام رضا (ع)، غربی‌گری است، هم به لحاظ غربت جغرافیایی به جهت سلب اختیار از اتخاذ محل اقامت و هم کناری خویشاوندان و هم به لحاظ غربت و ناشناختگی جایگاه در میان پیروان. شاعر دفاع مقدس و رضوی سرای از این خصوصیت امام (ع) بهره می‌گیرد و با ذکر صفت خلاف آن در قالب ترکیباتی نظیر درد آشنا به غریب‌نوازی امام (ع) اشاره می‌کند که این رویکرد متأثر از آموزه‌های رضوی در رفتار حاکمیت و رزمندگان ایران در برخورد با اسیران جنگی دیده شد:

بوی غربت می‌وزد از بارگاه اطهرش در هوایش می‌تپد هر جا دلی دردآشناست
(قدرتی، ۱۳۸۳: ۷۳)

ای غریب آشنا/ در کجای آسمان دمیده‌ای؟ (شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۵۴۱)
اینک ای خوب، فصل غریبی سرآمد چون تمام غریبان، تو را می‌شناسند
(امین‌پور، ۱۳۹۱: ۴۰۸)

۲-۲-۵- تقابل عشق و عقل

تقابل عشق و عقل به عنوان یک مضمون ازلی همواره در جریان اندیشه هزارساله شاعران ایرانی حضور داشته است و در تمام آثار جاودانی ادب فارسی، زیباترین تصویرهای این اندیشه را به گونه‌های مختلف می‌توان دید. بر خلاف آنچه در ادب منظوم کهن و امروزی در تباین و تضاد این دو قوه درونی انسان آمده‌است، همراهی این دو واژه در شعر رضوی شاعران دفاع مقدس برای توصیف جامعیت حضرت رضا (ع) دیده می‌شود که مبین آشتی میان اضداد در اندیشه رضوی است، چنان که ما در جنگ تحمیلی پیوسته داعیه دفاع داشتیم و رویکرد مصالحه‌جویانه را با دشمن بعثی کنار نگذاشتیم:

چراغ عقل کزو عقل راست شور و نشاط فروغ عشق کزو عشق راست سور و سرور
(شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۵)

۲-۲-۶- تقابل دو رنگ سبز و سرخ

رنگ سبز، معانی نمادین بسیاری دارد؛ چنانکه رنگ سبز در مذهب تشیع سمبل ایمان و عقیده، دین و توکل، فناپذیری، ابدیت و ژرفا و رستاخیز است و زیباترین رنگ‌ها در قرآن رنگ سبز است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۶۹-۲۷۰) و نیز استوار (۱۳۹۱: ۱۵) می‌گوید: در آداب و رسوم مذهبی، رنگ سبز، نشانه امید، انتظار و نجابت و صلاح است. سبز، رنگ آرامش، عقل و ایمان، رنگ تعالی و کمال، رنگی بهشتی و نماد حیات، فناپذیری و جاودانگی است. رنگ سبز در

شعر پایداری، با نظر داشت بن‌مایه‌های دینی و فرهنگی نماد آرامش، حیات، جاودانگی، دیرزیستی و تقدس و پاکی است.

از سوی دیگر رنگ سرخ «نشانه عشق، خطر، نیرو و نشاط، نماد و نشانه امید به زندگی، اشتیاق به فعالیت، شجاعت، اراده قوی و آرزوهای بزرگ، گرمی، قدرت، جنگ، هیجان، تظاهر، آتش، خون، هوای نفس، خشم و برانگیختگی است» (استوار، ۱۳۹۱: ۲۰) و لوشر (۱۳۸۱: ۸۷) می‌گوید: «محتوای عاطفی آن، آرزو و کمال است.» این رنگ نه تنها نمود علم خفیه، بلکه نشانه مرگ عرفانی در مراسم رازآموزی نیز هست (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۱۲۴) همراهی رنگ سبز و سرخ در شعر رضوی شاعران دفاع مقدس، نشانه تصرف شاعر برای تغییر در معانی متضاد آن‌هاست که پیوستگی مفاهیمی چون تقدس، جاودانگی، مرگ عرفانی و فناپذیری حاصل از آن، تعالی و کمال با تکیه بر قدرت، شجاعت و عشق الهی است که شاعر با این رویکرد، سیمای امام رضا (ع) را از زاویه علم و ایمان توأمان در شعرش سروده‌است، چون سیمای حضرت (ع) هم آگاه و آگاهی‌بخش است و هم به ترویج آموزه‌های دینی ایمانی استوار و باوری عمیق دارد که جلوه‌ای از پایداری است:

عطر سبز چشمه‌های روشن کوثر رضا عطر سرخ عشق در آینه باور رضا
(قدرتی، ۱۳۸۳: ۲۶)

۲-۲-۷- تقابل ظلمت و نور

در جهان‌بینی ایرانی با دو جهان نور و ظلمت روبرو هستیم که برگرفته از باورهای کهن ایرانی‌ست. در ادبیات ایرانی عالم نور، عالمی انتزاعی و بیان‌کننده روشنی بی‌کران است. نور، رمز آگاهی و خودآگاهی است و ظلمت که در برابر آن قرار می‌گیرد، متصور غفلت و ناآگاهی است. قزوه در بیتی خطابی امام رضا (ع) را سوره اعراف و قبله هشتم می‌خواند که تلمیح به نور معارف رضوی است و شاعر تقاضای بهره‌گرفتن از این نور معرفت و ایمان دارد و رویکرد غلبه نور بر ظلمت یکی از جلوه‌های پایداری با نمودی ازلی است:

ای سوره اعراف من ای قبله هشتم در ظلمت من پنجره‌ای باز کن از نور
(قزوه، ۱۳۹۱: ۴۵)

۲-۲-۸- تقابل کفر و ایمان

با وجود رویارویی دو جهان‌بینی متضاد بی‌اعتقادی به خداوند و باور ناشی از نگرش وحدت وجودی در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس، گستره دید فراتر از باورها و عقاید دینی است و مساوی دیدن همه و حسن خلق با همه چه کافر و چه مؤمن که سنت معصومین (ع) و سفارش دین اسلام است، در سیره حضرت رضا (ع) نیز دیده می‌شود (بیهقی، ۱۴۲۴: ۲۷۴۶). شاعر توسع مهربانی حضرت (ع) را در شعر آورده تا این آموزه ملکه ذهنی رزمندگان ایرانی در جنگ تحمیلی باشد و برخوردی یکسان با اسیران جنگی در هر موقعیت و مقام و عقیده‌ای داشته باشند:

قبله هفتم، امام ثامن و ضامن ملجأ شاه و گدا و کافر و مؤمن
(شاهرخی و مشفق کاشانی، ۱۳۷۲: ۵۲۱)

۲-۲-۹- تقابل بیماری و شفابخشی

چنان که بهشت محل وصال حقیقی به خداوند و سلامت و امنیت نفس و برآورده شدن آرزوهاست، حرم اولیای الهی نیز موجب صفای روح و شفای دل و برآوردن حوائج می‌شود (دیلمی، ۱۳۷۱: ۳۸۴). موضوع توسل به امامان معصوم (ع)، خاصه حضرت رضا (ع) و اعتقاد به این که حرم مطهر حضرت بهشت روی زمین است، سبب ایجاد تقابل مفاهیم بیماری و شفابخشی در اشعار رضوی و ایجاد تصاویر بلاغی زیبایی با کاربست این دو واژه شده است:

جان سرگردان بدین دارالامان آورده‌ام چون فلک رو بر در این آستان آورده‌ام
جسم بیماری در این دارالشفای بیدلان جان بی‌تابی بدین دارالامان آورده‌ام
(خیریه، ۱۳۸۹: ۳۳۲)

۳- نتیجه گیری

یکی از عناصر ساخت آفرین که در سطح واژگانی سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس تأثیر نهاد، تقابل‌های دوگانه است که فراوانی تضاد و پارادوکس در اشعار مورد بحث، بیانگر رابطه تقابل‌های دوگانه در سطح ادبی سروده‌های معاصر است؛ چنانکه زوج‌های دوگانه اغلب به شکل عرضی و در ساختارهای کوچکتر، چون مصراع، بیت و حتی در حد ساختمان یک قطعه شعر قابل مشاهده هستند و انواع تقابل واژگانی مدرج، مکمل، دوسویه، همسنگ، ضمنی، صوری و خطی و متقاطع در سطح عرضی اشعار بررسی شد.

در سطح محتوایی (معنایی) نیز مفاهیم و اندیشه‌هایی در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند که اغلب همسو با مؤلفه‌های پایداری هستند؛ نظیر ظلم‌ستیزی در برابر ستمگری، شجاعت در برابر زبونی، پاکی در برابر پلیدی، کفر در برابر ایمان، ظلمت در برابر نور و... برخی تقابل‌های فکری نیز برآمده از سیمای اخلاقی امام رضا (ع) و در توصیف و منقبت سجایای اخلاقی امام (ع) هستند که نمودی از سازگاری اخلاقی حضرت (ع) در برخورد با قشرهای گوناگون فکری و اجتماعی است و منشوری در رویکرد شعر شاعران دفاع مقدس برای تأثیر بر رزمندگان و دیگر مخاطبان است و مروّت و مدارا از امور اخلاقی حضرت (ع) است که در لطف و قهر، غربت و آشنایی، هم‌کناری دو رنگ متضاد سبز و سرخ، بیماری و شفابخشی نمود یافته‌است. این رویکرد نشان می‌دهد، خلاف آمد دیگر پژوهش‌ها در زمینه بررسی جفت‌های متضاد در آثار ادبی که به قصد دستیابی به تناقض‌ها و تعارض‌ها در مفاهیم، نگرش‌ها و حتی نوع شخصیت‌هاست، ذکر جفت‌های متقابل در سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدس برای تبیین جمع اضداد در شخصیت متعالی امام رضا (ع) است که بنا بر سفارش دین اسلام یکسان‌نگری به انسان‌ها را ورای نوع جهان‌بینی و عقاید دینی و مذهبی را در پی دارد.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

- امامی، نصرالله. (۱۳۸۲). **ساخت‌شکنی در فرآیند تحلیل ادبی**. اهواز: رسش.
- استوار، مسیب. (۱۳۹۱). **رنگ**. تهران: رازنامه.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). **عناصر داستان**. ترجمه فرزانه طاهری. دوم. تهران: مرکز.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۹). **تنفس صبح**. ششم. تهران: سروش.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۱). **آینه‌های ناگهان**. نوزدهم. تهران: کاج.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۴۲۴). **شعب الایمان**. بیروت: دارالفکر.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۵). **روش‌شناسی علوم سیاسی**. قم: دانشگاه مفید.
- خیریّه، بهروز. (۱۳۸۹). **اهل بیت پیامبر علیه السلام در شعر شاعران کرد**. قم: کتاب فردا.
- دوبوکور، مونیک. (۱۳۷۳). **رمزهای زنده‌جان**. تهران: مرکز.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۷۱). **إرشاد القلوب الی الصواب**. مترجم علی سلگی نهاوندی. جلد دوم. قم: الشریف الرضی.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۲). **نشانه‌شناسی کاربردی**. تهران: قصه.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۴). **نشانه‌شناسی و ادبیات**. تهران: فرهنگ کاوش.
- شاه‌رخ، محمود و کاشانی، مشفق. (۱۳۷۲). **قبله هفتم**. قم: اسوه.
- شفیعی، سیدضیاءالدین (۱۳۸۸). **یک کاروان آهو**. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). **صور خیال در شعر فارسی**. ششم. تهران: آگه.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۴). **فرهنگ توصیفی معناشناسی**. تهران: فرهنگ معاصر.
- قدرتی، نسترن. (۱۳۸۳). **حریم سبز عشق**. مشهد: به نشر.

- قزوه، علیرضا. (۱۳۷۸). **سوره انگور**. تهران: نکا.
- قزوه، علیرضا. (۱۳۹۱). **صبحتان بخیر مردم**. تهران: کتاب نشر.
- قزوه، علیرضا. (۱۳۸۴). **قطار اندیمشک**. تهران: سوره مهر.
- لوشر، ماکس. (۱۳۸۱). **روان‌شناسی رنگ‌ها**. ترجمه ویدا ابی‌زاده. هجدهم. تهران: دُرسا.
- مردانی، نصراله. (۱۳۸۸). **قانون عشق**. چهارم. تهران: صدرا.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۹۰). **دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر**. ترجمه مهرا مهران مهاجر و محمد نبوی. چهارم. تهران: آگه.
- موسوی گرمارودی، سیدعلی. (۱۳۸۹). **صدای سبز**. سوم. تهران: قدیانی.
- هارلند، ریچارد. (۱۳۸۵). **درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت**. ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش. دوم. تهران: چشمه.

ب) مقالات

- پارسی نژاد، کامران. (۱۳۸۲). «ساختارگرایی و ساخت‌شکنی». **مجله ادبیات داستانی**. شماره ۶۹، صص ۳۵-۳۸.
- صفوی، کورش. (۱۳۶۹). «نگاهی به تقابل معنی». **مجله ادب و زبان فارسی**. شماره اول، صص ۱۰۴-۱۱۵.
- کریمی، احمد و رضایی فومنی، مهیلا. (۱۳۹۰). «بررسی تقابلی‌های دوگانه در ساختار نحوی و اندیشگانی غزلیات امیری فیروزکوهی». **فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد**. شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۹۲.